

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۶۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: عبدال گلپریان

۲۴ فروردین ۱۳۹۰، ۱۳ آوریل ۲۰۱۱

چهارشنبه ها منتشر میشود



جنبش انقلابی در کردستان عراق: درسها و تجارب میزگرد ایسکرا با اصغر کریمی و محمد آسنگران



محمد آسنگران:
شهر برگشتند به دلیل سابقه مبارزه با صدام حسین و سالها جنگ پارتیزانی علیه رژیم بعث در اذهان عمومی بخش قابل توجهی از جامعه محبوب و قابل اعتماد بودند. اما همان دوره هم بخشی از جامعه که افکار روشن تری داشتند و مشخصا کمونیست ها و کلا چپ جامعه ماهیت اینها را میدانستند و اهداف و سیاست های آنها را نقد و افشا میکردند. زیرا دوران جنگ با صدام حسین هم با سنتی

و محمد آسنگران ترتیب بدهد. توجه شما خوانندگان عزیز را به این میزگرد جلب میکنیم.

ایسکرا: محمد آسنگران از شما شروع میکنیم. لطفا یک تصویر عمومی از وضعیت کنونی مبارزات مردم، ابعاد آن و برخورد احزاب حاکم به این اعتراضات به خوانندگان ایسکرا بدهید. اوضاع از چه قرار است و چرا حکومت "گرد" به این روز افتاده است؟

در دو ماه گذشته تلاش کرده ایم که در حد توان، خوانندگان ایسکرا را از وقایع مهمی که در کردستان عراق جریان دارد مطلع کنیم. اما علیرغم مباحثی که تا کنون داشته ایم، هنوز جای یک تحلیل و بررسی همه جانبه و یکجا در ایسکرا خالی است. ایسکرا تصمیم گرفت که برای پاسخ به این نیاز میزگردی با اصغر کریمی

تماما ناسیونالیستی، عشیرتی و در حال همکاری با دولت های منطقه بودند. برای مثال ورود این احزاب به شهرها از ابتدا همراه با سپاه پاسداران و در زیر حمایت های جمهوری اسلامی انجام شد. همکاری عملی نزدیکی با جمهوری اسلامی داشتند و این صفحه ۲

در اعتراض به ماشین جنایت جمهوری اسلامی، برای نجات شیر کو معارفی و محکومین به اعدام

را نشنوم. این حکومت اسلامی ایران است که از ترس شورش و انقلاب مردم، به خونریزی بیشتری دست میزند و برای پس راندن مردم معترض احکام اعدام بیشتری صادر میکند. هم اکنون سخن از

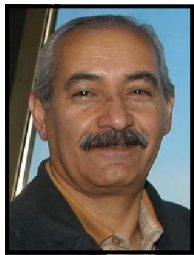
حکومت اسلامی را بلندتر کنید! جمهوری اسلامی ایران با جنایت سرپا مانده و با خونریزی نفس میکشد و ادامه حیات میدهد. روزی نیست که خبر محکومیت به اعدام نشنوم و روزی نیست که خبر جان باختن یک فعال سیاسی و یا خبر اعدامهای دسته جمعی جوانان

متحدانه و در همه جا به خیابان میرویم و صدای اعتراض خود علیه حکومت اسلامی ایران را بلندتر می کنیم. ۲۲ آوریل روز اعتراض سراسری به ماشین جنایت حکومت اسلامی با ما به خیابان بیاید و صدای اعتراض خود علیه اعدام و جنایات

در پاسخ به فتوای آقای جلال طالبانی علیه سوراخهای کارگری در کردستان عراق منصور حکمت

صفحه ۵

فاز جدیدی که جمهوری اسلامی را تهدید می کند



عبدال گلپریان

روز سه شنبه احمد رضا پوردستان فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی اعلام کرده است که در چهارچوب طرح تحول ساختاری ارتش، یگانهای این نیرو در تمام نقاط مرزی کشور مستقر خواهد شد. ایشان به خبرگزاری کار ایلنا گفته است: "در حال حاضر یگان های نیروی زمینی ارتش تنها در نقاط مرزی غرب و شمال غرب کشور مستقر هستند، در حالی که با طرح تحول ساختاری و آمایش جدید یگانهای نیروی زمینی ارتش در همه نقاط مرزی کشور مستقر خواهند شد، ضمن اینکه شاهد

ساخت و احداث پادگان های نظامی جدیدی نیز در همه نقاط مرزی کشور خواهیم بود." همزمان با اظهارات فرمانده نیروی زمینی ارتش ایران، محمد پاکپور، فرمانده نیروی زمینی صفحه ۷

اطلاعیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران طرح های ارتجاعی برای آینده کردستان عراق محکوم است

از صفحه ۷

مردم ارومیه شیشه های اداره گاز را شکستند

صفحه ۶

محیط نا امن کار باز هم حادثه آفرید

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنبش انقلابی در کردستان عراق...

از صفحه ۱

همکاری هنوز ادامه دارد. اما در چهارچوب محدودیتهای آن زمان بخشی از مردم این جنبه را به دلیل مقابله آنها با صدام حسین نادیده می‌گرفتند. به محض ورود به شهرها هیچ نوع دخالتی از جانب مردم را نپذیرفتند. حاکمیت را بدون چون و چرا از آن نیروی مسلح خود میدانستند. مردم در جریان مبارزه علیه صدام حسین قبل از ورود این احزاب به شهرهای نیروهای رژیم بعث را تارو مار کرده بودند. اما با این وجود چون حزب متشکل و معتبر دیگری در میدان سیاست بجز آن دو حزب وجود نداشت، آنها کل جامعه کردستان را بر اساس نفوذ سنتی خود تقسیم کردند. بخشی از کردستان عراق تحت حاکمیت حزب دمکرات کردستان به رهبری بارزانی و بخش دیگر آن تحت حاکمیت اتحادیه میهنی به رهبری طالبانی قرار گرفت. این موضوع به دلیل اختلافات قدیمی و تاریخی این احزاب با هم بود که کردستان عملاً به دو منطقه تقریباً جدا با قوانینی متفاوت و تحت حاکمیت دو حزب رقیب قرار گرفت. بعد از چند سال رقابت آنها بر سر مناطق تحت نفوذ خود به جنگ میان این دو حزب منجر شد.

اما در چهارچوب محدودیتهای آن زمان بخشی از مردم این جنبه را به دلیل مقابله آنها با صدام حسین نادیده می‌گرفتند. به محض ورود به شهرها هیچ نوع دخالتی از جانب مردم را نپذیرفتند. حاکمیت را بدون چون و چرا از آن نیروی مسلح خود میدانستند. مردم در جریان مبارزه علیه صدام حسین قبل از ورود این احزاب به شهرهای نیروهای رژیم بعث را تارو مار کرده بودند. اما با این وجود چون حزب متشکل و معتبر دیگری در میدان سیاست بجز آن دو حزب وجود نداشت، آنها کل جامعه کردستان را بر اساس نفوذ سنتی خود تقسیم کردند. بخشی از کردستان عراق تحت حاکمیت حزب دمکرات کردستان به رهبری بارزانی و بخش دیگر آن تحت حاکمیت اتحادیه میهنی به رهبری طالبانی قرار گرفت. این موضوع به دلیل اختلافات قدیمی و تاریخی این احزاب با هم بود که کردستان عملاً به دو منطقه تقریباً جدا با قوانینی متفاوت و تحت حاکمیت دو حزب رقیب قرار گرفت. بعد از چند سال رقابت آنها بر سر مناطق تحت نفوذ خود به جنگ میان این دو حزب منجر شد. طبق آماري که خودشان منتشر کرده اند بیش از پنج هزار نفر از نیروهای دو طرف در این جنگها کشته شدند.

بازرانی برای تعیین تکلیف این جنگ به صدام حسین پناه برد. زیرا اتحادیه میهنی رابطه نزدیکتری با جمهوری اسلامی داشت و ارتش صدام به کمک بارزانی آمد. بازانیها تمام شهرهای کردستان را تصرف کردند و طالبانی همراه نیروی مسلح به ایران عقب نشینی کرد. بعد از مدتی سپاه پاسداران به کمک طالبانی آمد و ضد حمله آغاز شد و تمام شهرهای از دست رفته دوباره پس گرفته شد. به محض اینکه تعادلی میان آنها برقرار شد بحث آتش بس و مصالحه به میان آمد. از آن مقطع تا کنون علیرغم اینکه حکومت مشترک تشکیل داده اند اما مناطق تحت

حاکمیت دیده است. خود را بدهکار جنگ اینها با حکومت صدام نمیداند. مثل هر جوان دیگری در جهان انتظار دارد که از امکانات زندگی، آزادی، رفاه و آینده روشنی برخوردار باشد. این احزاب هم با همان سنت و پیشینه قدیمی به حاکمیت و ریخت و پاش مشغولند. نسل جوان امروزی کردستان مثل همه جای جهان با توجه به دسترسی به ماهواره و اینترنت و تکنولوژی ارتباطات سهم خود را از زندگی بیشتر از این میدانند که این احزاب با سنتهای عشیرتی برای او قائل شده اند.

این تناقض و تعارض نسلی را بسایید در کسار واقعیات دیگری دید که بعد از ۲۰ سال حاکمیت این احزاب در کردستان عراق هنوز مردم از برق و آب که جزو ابتدائی ترین امکانات زندگی است محروم هستند. هنوز بعد از ۲۰ سال حاکمیت این احزاب در ۲۴ ساعت مردم فقط ساعات محدودی برق و آب دارند. هر چند خانواده ناچار شده اند یک موتور تولید برق خصوصی برای تامین برق تهیه کنند و یا با هزار دردر سر آب خود را تامین کنند و این سیکل در طول هفته و ماه بیست سال است تکرار میشود.

در کنار این موضوع، برنامه های عمرانی و آموزش و پرورش و تولید و توزیع و بازار و غیره هم تماماً در هم ریخته، بدون آینده و غیر قابل محاسبه است. آنچه برجسته و برای همگان غیر قابل انکار است طیفی از حاکمان و مقامات سیاسی و نظامی این احزاب و بستگانشان به علاوه قشر انگل سرمایه داران نزدیک به اینها همگی میلیونر و میلیاردر شده اند. این احزاب قانوناً و رسماً ۱۷ درصد پول فروش نفت عراق را دریافت میکنند بعلاوه تمام گمرکات و مالیات و عوارض کردستان هم به جیب آنها می‌رود. در کنار این منابع، تجارت و خرید و فروش و بازرگانی هم یک منبع عظیم مالی است که تماماً در کنترل و اساساً در مالکیت یک قشر محدود نزدیک به این احزاب است. همه این فاکتورها باعث شده است که مردم و بویژه نسل جوان از حاکمیت

این احزاب نفرت پیدا کند و سهم خودش را از زندگی بخواهد.

در بطن چنین شرایطی اعتراضات محدود و مقطعی سالهای گذشته، از ۱۷ فوریه امسال وارد فاز جدیدی شد، جنبش قدرتمندی راه افتاد و شهر سلیمانیه به قلب تپنده این جنبش تبدیل شد. ابعاد تظاهراتها و تجمعات فعلاً به مناطقی تحت نفوذ اتحادیه میهنی محدود است. در مناطق تحت نفوذ بارزانی هنوز مردم این امکان را نیافته اند که به خیابان بیایند. فضای پلیسی شدیدتر و کنترل بیشتری که بارزانی علیه مردم اعمال می کند مانع جدی در آن مناطق است و فعالین جنبش اعتراضی در حال تلاش برای گسترش این جنبش به تمام شهرهای کردستان هستند. اتحادیه میهنی و بارزانی بشدت مورد تنفر عمومی مردم کردستان هستند. اما اپوزیسیون این احزاب بیشترین نفوذشان هنوز در مناطق معینی از کردستان قابل مشاهده است که تحت حاکمیت طالبانها است.

این اعتراضات در دو ماه گذشته توجه کل جامعه را به خود جلب کرده و احزاب حاکم را بطور جدی تحت فشار قرار داده است.

احزاب اپوزیسیون در مقابل حاکمان کردستان عراق به سه دسته تقسیم میشوند: ناسیونالیستهای ناراضی، اسلامیها و کمونیستها و چپها و مردم آزادخواه که همه این نیروها در میدان آزادی سلیمانیه و در انجمن موقت میدان آزادی که اعتراضات اخیر را رهبری میکند نمایندگانی دارند. اما در میان این قطب اپوزیسیون جریانات اسلامی و ناسیونالیست متحد همیگر هستند و طرف مذاکره با حکومت میباشند. کمونیستها و چپها مخالف هر نوع مذاکره از بالای سر مردم و مخالف هر نوع سازشی بر سر مطالبات حق طلبانه مردم هستند. اتوریسته اصلی کمپ احزاب ناسیونالیست و اسلام ی فردی است به اسم نوشیروان مصطفی که قبلاً

نفر دوم اتحادیه میهنی بعد از جلال طالبانی بود. در چند سال گذشته به دلیل اختلاف با جلال طالبانی از آنها فاصله گرفت و جریانی به اسم گوران را سازمان داد. اسکلت جریان گوران و رهبران و کادریهای آن همگی افرادی هستند که قبلاً عضو و کادر و سمپات اتحادیه میهنی بودند و از آن حزب فاصله گرفتند و با نوشیروان مصطفی همراه شدند. گوران یک کلمه کردی است به معنای "تغییر" که در آخرین انتخابات توانست بعد از احزاب طالبانی و بارزانی به حزب سوم در پارلمان کردستان تبدیل شود. دو جریان اسلامی "گوم ل" و "یه ک گرتو" که اکنون در اپوزیسیون قرار گرفته و متحد نوشیروان مصطفی هستند هر کدام چهار پنج نماینده در پارلمان دارند. احزاب چپ و کمونیست در آن انتخابات شرکت نکردند و طبعاً نماینده ای هم در پارلمان ندارند.

اکنون و بعد از حدود دو ماه اعتراض و تجمع هرروزه در میدان آزادی سلیمانیه و به تناوب در شهرهای دیگر، حکومت محلی کردستان عراق هیچ جواب عملی ای به مطالبات مردم نداده است. در جریان این اعتراضات تا کنون ۱۰ نفر از معترضین با شلیک گلوله افراد و نیروهای مسلح احزاب حاکم جان باخته اند. حدود ۲۵۰ نفر زخمی و تعدادی هم دستگیر شده اند. اما با این وجود مردم مصمم به ادامه اعتراض و مبارزات خود تا رسیدن به مطالباتشان هستند. مطالبات مردم ابتدا چند مطالبه محدود برای اصلاحاتی در حکومت و بهتتر شدن زندگی شهروندان و آزادیهای سیاسی و رفاهی بود. اکنون این مطالبات تا حد برکناری کل حکومت ارتقا یافته است. انجمن موقت میدان آزادی سلیمانیه در آخرین بیانیه خود اعلام کرده است که امید ی به اصلاح حکومت نیست و آنها باید بروند. همزمان با طرح این مطالبه برنامه دولت دوره انتقالی را هم به جامعه اعلام کرده است. به یک معنا میتوان گفت اکنون یک قدرت دوگانه در کردستان عراق شکل گرفته است.

جنبش انقلابی در کردستان عراق...

از صفحه ۲

ایسکرا: اصغر کریمی شما ریشه های ناراضیاتی مردم و کارنامه احزاب حاکم را چگونه ارزیابی میکنید؟

اصغر کریمی: فقر، بیکاری، تبعیض و نابرابری، بیحقوقی، وجود يك حکومت فاسد و عقب مانده، و در يك کلام سرمایه داری با همه مشتقاتش از جمله حکومتش منشاء ناراضیاتی مردم است. مثل خیلی کشورهای دیگر. مردم بصره و بغداد، مصر و تونس و لیبی و ایران هم، صرفنظر از تفاوت هایی که در هر کشور وجود دارد، منشاء ناراضیاتی و اعتراضات کم و بیش همین ها است. نان، آزادی، کرامت انسانی که به شعار مهم مردم در این انقلابات تبدیل شده است بیانگر محرومیت های اقتصادی و بیحقوقی های سیاسی و اجتماعی مردم است.

کردستان عراق، دهها سال زیر سلطه حکومت بعث بود که ساده ترین اعتراض آنها را به خاک و خون میکشید. مردم انتظار داشتند که با سرنگونی حکومت بعث به خواست هایشان برسند. اما قدرت توسط احزاب ناسیونالیست کرد قبضه شد و زندگی مشقت بار مردم ادامه یافت. خیلی از مردم تصور میکردند که با حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد، به خواست هایشان میرسند و زندگی شان عوض میشود. فکر میکردند اینها کرد هستند و دلسوز هموطنان کرد خود هستند و با افتادن حکومت به دست این احزاب که سالها با دولت بعث جنگیده اند، سرعت مشکلات اقتصادی رفع میشود و آزادی سیاسی حاکم میشود. اما بتدریج متوجه شدند که انگار اتفاقی نیفتاده است. عده ای رفته اند و عده ای جایشان را گرفته اند و کم و بیش همان سیاست ها را دنبال میکنند. شکاف های اقتصادی و فساد در دستگاه حکومت حتی عمیق تر شد. در طول بیست سال ساده ترین مسائل مردم نه تنها حل نشد بلکه مشقات زندگی مردم کارگر و زحمتکش بیشتر شد. فساد و دزدی و سوء استفاده از درآمد های جامعه توسط باندهای حاکم چنان ابعادی یافت که

ایسکرا: با توجه به فاکتورها و تصویری که دادید راه حل پیروزی مردم را چگونه تصویر میکنید؟

اصغر کریمی: از نظر محتوایی راه حل واقعی حل مسائل مردم سرنگونی این حکومت، کسب قدرت توسط طبقه کارگر و کمونیست ها و ایجاد جامعه ای سوسیالیستی است. بطور مشخص تر الان مساله قدرت سیاسی در کردستان عراق باز شده و جریانات و گرایشات مختلف سیاسی هرکدام سعی میکنند این مبارزه را به سمت و سویی ببرند. در يك تصویر کلی، از يك طرف جریان اسلامی همراه با ناسیونالیسم در اپوزیسیون که عمدتاً در "گوران" متشکل شده است، تلاش میکنند با گرفتن امتیازاتی، سر و ته این اعتراض را به هم بیاورند و با احزاب حاکم به سازش ها و توافقاتی برسند و سهم خود را در قدرت بگیرند که اگر این "راه حل" دست بالا پیدا کند و به موفقیت برسد، سر کارگر و

زحمتکش این جامعه و سرآزاد یخواهان برای يك دوره دیگر بی کلاه میماند. روز از نو و روزی از نو شروع میشود. به همان اندازه که اتحادیه میهنی و حزب دمکرات نماینده مردم نیستند، اینها هم نماینده مردم نیستند و هیچ گوشه ای از آمال و آرزو های مردم را نمایندگی نمیکند. اسلامی ها که از احزاب حاکم هم مرتجع تر و کثیف ترند. از طرف دیگر چپ، کمونیسم و آزادیخواهی قرار دارد که راه حل ها و اهداف و خواست هایش متفاوت است. عقاید سوسیالیستی، کمونیسم و آزادیخواهی در کردستان عراق ریشه دار و قوی است. در شهر سلیمانیه که قلب این اعتراضات و سنگر اصلی آن است، این جریانات اکثراً در انجمن موقت میدان آزادی متشکل شده اند که ابتکار درست و بجائی بوده است. هرچند انگیزه ها و اهداف این نیروها کاملاً متفاوت است اما فرصت میدهد که هر کس راه حلش را در اجتماع مردم که هر روز تشکیل میشود، بگوید و برای راه حل خود و نقد و اعتراض خود به این اوضاع نیرو بسیج کند. انجمن موقت میدان آزادی آینه ای است که گرایشات مختلف در جامعه کردستان را بازتاب میدهد و آنها را در مقابل حکومت حریم مبارزه محدود به تظاهرات و میدان آزادی نیست. چپ و کمونیسم بدرجه ای که بتواند توده های مردم را در مراکز کار، در محلات و دانشگاهها و همینطور در عرصه های مختلف سازمان دهد و حول پلانفرم خود گرد آورد، به درجه ای که بتواند کارگران، جوانان، زنان و مردم زحمتکش را در سرنوشت خود شریک کند و آنها را در تشکل ها و از جمله شوراهای متشکل کند، در میدان آزادی هم دست بالاتری پیدا میکنند. در شرایط سیاسی کنونی که مبارزه قدرتمندی علیه حکومت شکل گرفته است، خواست به زیر کشیده شدن حکومت حریم کردستان به خواست عموم مردم تبدیل شده است. بلوک اپوزیسیون ناسیونالیست کرد و جریان اسلامی، خواهان تغییرات معینی در حکومتند، حتی از برکناری روسای این حکومت و يك دولت انتقالی صحبت میکنند اما بطور واقعی خواهان شریک شدن در حکومتند و نهایتاً میتوانند با

با پخش خبر احتمال اجرای حکم اعدام حبیب لطیفی، بیش از صد نفر در مقابل زندان سنج جمع کردند



عصر روز شنبه ۹ آوریل ۲۰۱۱ از طریق يك رسانه، خبر احتمال اجرای حکم اعدام حبیب لطیفی در روز یکشنبه ۱۰ ماه آوریل منتشر شد. این خبر بلافاصله در فیس بوک و برخی سایتها منعکس شد و مردم شهر سنج نیز در جریان این خبر قرار گرفتند. بلافاصله بیش از صد نفر از مردم از نقاط مختلف شهر سنج راهی زندان سنج شدند و اعتراض خود علیه امکان اجرای حکم اعدام حبیب را شروع کردند.

طبق خبری که صبح امروز منتشر شد، این حکم اجرا نشده ولی حبیب لطیفی به اعدام

حکومت در ازای امتیازاتی سازش کنند، وارد حکومت شوند و همراه با بقیه حکومت در مقابل مردم معترض بایستند. باید دید جریان چپ تا چه حد قادر است اپوزیسیون ناسیونالیست- اسلامی را حاشیه ای کند، اهداف سازشکارانه شان را برای توده های وسیع مردم افشا کند، مردم را از آنها دور و به راه حل انقلابی خود جذب کند و در ابعاد وسیع به میدان بیاورد.

ایسکرا: محمد آسنگران شما در مورد راه حل پیروزی چه نظری دارید؟

محمد آسنگران: پیروزی مردم در این جدال به معنی حاکمیت خود مردم و قانونی کردن و اجرا کردن مطالباتشان است. برای رسیدن به این موقعیت اولین مانع همین احزاب حاکم و دم و دستگاه سرکوشان است. برای کنار زدن این موانع باید در قدم اول مردم به این واقعیت انکار ناپذیر پی ببرند که فقط با اتحاد مبارزاتی شان بر محور نیازهای زندگی خود و خواسته های

که مطرح کرده اند میتوانند متحد شوند. توهم بخشی از مردم به احزاب اپوزیسیون ناسیونالیستی و اسلامی تا همین حالا باعث شده است که تفرقه و چند دستگی بین مردم ایجاد شود. این بار نباید دوباره اجازه میداننداری به این جریانات داد. اگر این اتفاق بیفتد به این معنی خواهد بود که تحولی همه جانبه رخ داده است. مردم در تجربه همین دو ماه گذشته هم دیدند که این حکومت ناسیونالیستی نمیخواهد هیچکدام از خواسته های ابتدایی آنها را اجرا کند. بنابراین باید اعلام کنند که احزاب ناسیونالیست حاکم ماهیتا توان چنین تحولی را ندارند. نه میخواهند و نه میتوانند به حاکمیت و دخالت مستقیم مردم تن بدهند. این مشکل در مورد احزاب ناسیونالیست و اسلامی در اپوزیسیون هم صدق میکند. ماهیت سرکوبگرانه و ضد مردمی احزاب حاکم نتیجه بدجنسی و یا ندانم کاری این یا آن مقام حزبی و دولتی نیست. ماهیت جریانات

جنبش انقلابی در کردستان عراق...

از صفحه ۳

ناسیونالیست و اسلامی در حاکمیت یا در اپوزیسیون همین است که مردم کردستان در ۲۰ سال گذشته تجربه کرده اند. کسی مثل نوشیروان مصطفی که اکنون در اپوزیسیون قرار گرفته است به اندازه طالبانی و بارزانی غیر قابل اعتماد و غیر قابل اتکا است. همه اینها از یک سنت و از یک گرایش سیاسی و اجتماعی و از یک تاریخ می آیند. هیچ تفاوت ماهوی با همدیگر ندارند. نوشیروان مصطفی و جریانات اسلامی هیچ اختلاف ماهوی با حاکمان امروز ندارند. چیزی شبیه همان اصلاح طلبان ایرانی هستند که میخواهند نظام را نگهدارند و اصلاحاتی در آن بکنند. طبعاً جریانات اسلامی ماهیتاً از همه اینها مرتجع تر و عقب مانده تر هستند. اینها مردم کردستان و منطقه دیده و تجربه کرده اند.

طبعاً در این مصاحبه مجال اینکه با جزئیات، احتمالات و اشکال و شیوه های پیروز شدن را بررسی کنیم نیست. اما برای ترسیم روندها و پروسه رسیدن به پیروزی چند موضوع مهم و اساسی را باید تاکید کرد. ابتدا لازم است احتمالات و خطراتی که میتواند پیروزی مردم را با مانع و یا با شکست روبرو کند بشناسیم.

اولین احتمال این است که احزاب اپوزیسیون ناسیونالیست و اسلامی به توافقاتی برسند و سهم بیشتری برای آنها در نظر بگیرند و صف معترضین را دچار تفرقه و چند دستگی کنند. اگر این اتفاق بیفتد ممکن است سعی کنند با اصلاحات کوچکی مردم را به خانه بفرستند. در چنین شرایطی جبهه چپ و کمونیست همراه مردمی که دچار توهم نشده و در میدان مبارزه مانده اند با فشار حاکمان دیروز و متحدین ناسیونالیست و اسلامی امروزشان روبرو میشوند.

برای مقابله با این احتمال و هر نوع سازش و سودایی باید قطب چپ و آزادیخواه جامعه بتواند یک سیاست واحد را در این مبارزات پیش ببرد. اولین قدم این است که نقشه راه پیروزی و حداقلهایی که در

به طور کلی نیست، بلکه سیاست و تاکتیک تعیین کننده ای است که در این مرحله از مبارزات مردم کردستان عراق میتواند نقش سرنوشت سازی داشته باشد. شکست یا پیروزی این مبارزات مستقیم به وجود این تشکلهای مربوط است. سازمانها و احزاب حاکم و یا جریانات اپوزیسیون ناسیونالیستی و مذهبی میتوانند با اتکا به امکانات رسانه ای و پول و قدرتی که در اختیار دارند مردم بی سازمان و بدون تشکل را با وعده و وعید راحت تر از مسیر خود منحرف کنند. اما توده متشکل را که به قدرت و نمایندگان واقعی و انتخاباتی خود اتکا دارند نمیتوانند به راحتی چپ و راست کنند.

علاوه بر این نکات برای پیروزی، نقش رسانه عمومی بسیار مهم و برجسته است. بدون رسانه عمومی مخاطبین بسیار محدود و غیر موثر خواهند بود. اما فعال محلی و آژیتاتور کمونیست و آزادیخواه باید بتواند در این دوره جامعه را از سد و موانعی که در مقابلش قرار میدهند عبور دهد.

ایسکرا: علاقمندم نظره دو نفر شما در مورد سیاست احزاب ناسیونالیست کردستان ایران را بدانم. آنها چه برخوردی به جنبش حق طلبانه مردم کردستان عراق کرده اند؟

اصغر کریمی: احزاب ناسیونالیست کرد ایرانی، تقریباً همگی از دو حزب دمکرات تا سازمان زحمتکشان و سایر دار و دسته های ناسیونالیست، بیشرمانه از احزاب حاکم حمایت کردند. مبارزه مردم را به نیروها و دولت های "بیگانه" نسبت دادند و حکومت "گرد" را به عنوان "آزمونی مهم و دستاورد ملت کرد" مورد حمایت قرار دادند. آنها به عبث و کوتاه بینانه فکر میکردند این اعتراضات ریشه چندانی ندارد و با سرکوب های اولیه فروکش میکند. اما برخلاف تمایل و تصور ابلهانه آنها، اعتراضات نه تنها فروکش نکرد بلکه عمق و دامنه بیشتری یافت و احزاب ناسیونالیست کرد ایرانی را در محاصره انداخت. برای جلوگیری از بی آبرویی بیشتر، و بدلیل ترس از مردم کردستان عراق و ایران، دست از حمایت آشکار احزاب

حاکم برداشتند و سکوت کردند.

احتمالاً محافل دلسوز این احزاب، حمایت کثیف اینها از سرکوب مردم کردستان عراق را روتوش کنند و آنرا به حساب ترس این جریانات از قطع امکانات مالی و لجستیکی که از احزاب برادرشان در کردستان عراق میگیرند بگذارند. احتمالاً خود این احزاب نیز با همین استدلال سعی در قانع کردن محافل ناراضی صفوف خود بکنند، اما این توجیهات کمک زیادی به آنها نخواهد کرد. مشابهت این احزاب با احزاب حاکم در کردستان عراق و هم جنبشی بودن آنها، عمیق تر از این حرفها است. واقعیت این است که مردم کردستان عراق، نه تنها مشروعیتی برای احزاب حاکم در کردستان عراق باقی نگذاشتند، بلکه عملاً آبروی احزاب ناسیونالیست کردستان ایران را هم بردند و دستشان را برای مردم رو کردند و خدمت بزرگی به مردم کردستان ایران کردند. همان نسلی که در کردستان عراق تره برای مام جلال و بارزانی خرد نمیکند و خود را بدهکار گذشته آنها نمیدانند، در کردستان ایران هم دقیقاً همینطور است. چنان خود را از این احزاب بیگانه میبینند، چنان آنها را عقب مانده و دور از امیال آزادهای خود میبینند که استدلال سی سال پیشمرگایی کرده ایم و با حکومت در جنگ بوده ایم، سر سوزنی مشروعیت برایشان ایجاد نمیکند.

محمد آستگران: احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد مستقر در کردستان عراق تماماً در کنار حکومت و علیه مردم معترض کردستان عراق ظاهر شدند. این یک اتفاق مهم بود. ماهیت واقعی آنها را به جامعه نشان داد. مردم کردستان عراق و ایران با چشم خود دیدند که این احزاب کوچکترین ربطی به خواسته ها و مطالبات مردم کردستان ندارند. مردم به تجربه دیدند که اگر آنها در حکومت باشند مثل طالبانی و بارزانی مردم را گرسنگی میدهند و معترضین را به گلوله میبینند. اگر در حکومت هم نباشند مثل احزاب ناسیونالیست کرد ایرانی در کنار قاتلانی مثل طالبانی و بارزانی و علیه مردم معترض در خیابان می

ایستند. ما همیشه تلاش کرده ایم که ماهیت واقعی احزاب ناسیونالیست را گوشزد کنیم، ولی هیچگاه به اندازه این تجربه مردم کردستان عراق ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی احزاب ناسیونالیست کرد عیان نشده بود. امروز نشان دادن ماهیت ارتجاعی این احزاب و سازمانها به یک تجربه عملی اتکا دارد و کسی نمیتواند منکر آن بشود. امروز سیاه روی سفید میتوان دفاع این احزاب از قاتلان مردم را به هر کسی نشان داد.

آنها سالهای سال است که همیشه خود را مدافع مردم کرد معرفی میکردند. اما در کردستان عراق همین مردم کرد بوسیله احزاب ناسیونالیست به گلوله بسته شدند و احزاب ناسیونالیست کردستان ایران هم از حکومت قاتلان و جنایتکاران حمایت کردند.

ایسکرا: به نظر شما مردم کردستان ایران چه درسی میتوانند از اتفاقات کردستان عراق بگیرند؟

اصغر کریمی: مردم کردستان ایران درس های مهمی از مبارزه این دوره مردم در کردستان عراق میتوانند بگیرند و به درجاتی این تجربه میدان آزادی و انجمن موقت میدان آزادی، جایی که نمایندگان احزاب و فعالین سیاسی با گرایشات مختلف سیاسی با مردم صحبت میکنند و مردم از این طریق اهداف و سیاست های احزاب چپ و راست را میبینند و میتوانند مقایسه و انتخاب کنند. یا کوتاه نیامدن در مقابل حکومت حریم و پافشاری بر خواست پائین کشیدن آنها که اساساً از طرف جناح چپ انجمن میدان آزادی مطرح میشود. مقایسه راه حل های عمیق و ریشه ای که جناح چپ و کمونیست ها ارائه میدهند با شیوه های تغییر از بالا و اصلاحات و غیره که در جریان گوران و اسلامی ها میبینند. همه اینها حاوی درس های مهمی برای مردم در کردستان ایران است. در این زمینه نکات زیادی هست اما اجازه بدهید اینجا به مهمترین درس این تحولات بپردازم و آن اینکه مردم بین ناسیونالیسم و سوسیالیسم باید دومی را انتخاب کنند. انصاف

جنبش انقلابی در کردستان عراق ...

از صفحه ۴

نیست که مردم سالها مبارزه کنند، فداکاری کنند، خود را به خطر

بیندازند و نهایتا يك جریان ناسیونالیستی با عوامفیبی سرکار بیاید و مبارزه آنها را به بیراهه بکشاند و نهایتا سرکوب کند و یکی دو نسل دیگر مردم با محرومیت های اقتصادی و سیاسی دست و پنجه نرم کنند. دهها سال حکومت صدام و بعث مردم را سرکوب کرد، بی حقوقی تمام عیاری به مردم تحمیل کرد، انواع جنایات را علیه مردم کردستان عراق سازمان داد و بسیاری از مردم کردستان تصورشان این بود که اگر "کرد" حکومت کند درست میشود و همه معضلات اقتصادی و سیاسی حل میشود. فکر میکردند مشکل این است که "گردها" حکومت نمیکند. سرکوبها و بی حقوقی ها، فقدان آزادی سیاسی و ممنوعیت احزاب اپوزیسیون در طی دوره های طولانی، اجازه نمیداد مردم جریانات ناسیونالیست و ماهیت ضد مردمی آنها را بشناسند تا بتوانند با چشم باز انتخاب کنند. سرکوب و خفقان عامل مهمی در بقای ناسیونالیسم و جریانات ناسیونالیست کرد بود. اما با روی کار آمدن احزاب ناسیونالیست کرد، این تصورات باطل به درجه بسیار زیادی دود شد و هوا رفت. در طول بیست سال گذشته مردم تا مغز استخوانشان متوجه شدند که مساله بر سر حکومت "کرد بر کرد" نبوده است. متوجه شدند که بخشی از "گردها" خودی نیستند. متوجه شدند اما مزاده هائی که به آنها دخیل بسته بودند تفاوت چندانی با حکومت بعث ندارند. اینها هم بی حقوقی و فقر و محرومیت به اکثریت مردم تحمیل میکنند و اعتراض بحق آنان را سرکوب میکنند، اینها هم حکومت يك اقلیت هستند و فساد و کثافت از سر و رویشان میبارد. خیلی هم "کرد" هستند اما ربطی به اکثریت مردم زحمتکش ندارند. تجربه این دو دهه هر چند به قیمت سنگینی برای مردم محروم و زحمتکش تمام شده است، اما زمینه عینی برای ارتقای آگاهی سوسیالیستی را بیش از پیش فراهم کرده است. بیست سال قبل افشای ناسیونالیسم کار دشوارتری بود. امروز مشاهدات مردم، کار

گوشه ای از قدرت سیاسی بدست اینها بیفتد، همان بلا را به سر مردم میآورند که احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق به سر مردم آوردند. سایر احزاب و گروههای ناسیونالیست هم چندان تفاوتی با دمکرات ها ندارند. اولین درسی که مردم باید بگیرند این است که بین ناسیونالیسم و سوسیالیسم، دومی را انتخاب کنند و بین احزاب ناسیونالیست و کمونیست دومی را و مشخصا حزب کمونیست کارگری را انتخاب کنند.

ناسیونالیسم هم مانند مذهب يك ایدئولوژی برای تحمیل مردم و برای شیره مالیدن سر مردم به اسم ملت و وطن است. یکی به اسم مذهب خود را نمایندنده مسلمانان میداند و از این طریق سعی میکند ناسیونالیسم و به اسم ملت خود را نمایندنده همه قلمداد میکند. اما این به همان اندازه دروغ است که اتحادیه میهنی خود را نمایندنده مردم سلیمانیه معرفی میکند. به همان اندازه دروغ است که احزاب حاکم در کردستان عراق خود را نمایندنده همه "گردها" جا میزنند. خوشبختانه امروز موج این جریانات برای توده های وسیع مردم باز شده است.

اینجا میخواهم چند کلمه با کمونیست های کردستان و مشخصا با اعضا و فعالین حزب کمونیست کارگری صحبت کنم. در کردستان ایران سوسیالیسم بسیار قوی است. به یمن سه دهه مبارزه کمونیستی، به یمن سالها مقابله کمونیست ها با تبلیغات و برنامه سیاسی حزب دمکرات و مقابله با قدری های این حزب، کمونیسم جریانی بسیار خوشنام، گسترده، و عمیق است. اما هیچ زمانی به اندازه شرایط کنونی زمینه برای جذب ایده های سوسیالیستی و پیوستن به حزب کمونیست کارگری و برنامه کمونیستی چنین مهیا نبوده است. اما اینکه مردم نهایتا چه انتخابی بکنند تنها به میزان حضور ما، تبلیغات ما، سازماندهی و حضور سیاسی ما در عرصه های مختلف مبارزه بستگی دارد. مردم به جریانی اعتماد میکنند که قبل از هر چیز کارآئی اش را برای سازماندهی آنها، رهبری و تقویت

مبارزه آنها و قابلیت متحد کردن و به میدان آوردن مردم نشان داده باشد. به موازات این مساله است که میتوان ناسیونالیسم و ماهیت طبقاتی احزاب ناسیونالیست را هر چه وسیعتر در میان مردم افشا کرد. دوره دوره ما است. نسل جوان، کارگران و زنان و توده های وسیع مردم ناراضی و به جان آمده به دقت رویدادهای کردستان عراق را دنبال میکنند و آمادگی آنها برای جذب اندیشه های کمونیستی و راه حل های کمونیستی از همیشه بیشتر است. باید عمق تحولات در کردستان عراق را به مردم توضیح داد، ادبیات کمونیستی هر چه بیشتری در اختیار آنها قرار داد، جلسات بحث سازمان داد، آنها را حول پلتفرم های مبارزاتی و مطالبات رادیکال فعال کرد، به حمایت از خواست های حق طلبانه و رادیکال مردم در کردستان عراق تشویق نمود و در يك کلام در فضای پرباری که شکل گرفته است حضور فعال داشت و افکار و آراء مردم را شکل داد و آنها را حول برنامه و سیاست های کمونیستی سازمان داد.

ایسکرا: به نظر شما مردم کردستان ایران چه کمکی به این مبارزه میتوانند بکنند؟

محمد آسنگران: این مبارزات

که در کردستان عراق جریان دارد اساسا تحت تاثیر و بخشی از انقلابات کشورهای شمال آفریقا و خاور میانه است. همچنانکه مردم ایران به درست از مردم مصر و تونس حمایت کردند و از آن انقلابات به عنوان انقلاباتی رهائی بخش یاد کردند، باید از مبارزات مردم کردستان عراق هم با همان شدت و حدت دفاع کرد. این همسرنوشتی را باید مردم کردستان عراق ببینند. بویژه مردم کردستان عراق به دلیل رابطه تنگاتنگ مبارزاتی با مردم کردستان ایران این انتظار را دارند. به انحاء مختلف مردم و فعالین میتوانند این پیوند را نشان بدهند.

با صادر کردن بیانیه های حمایتی و یا سازمان دادن سمینارها و تجمعات حمایتی و یا هر شکل دیگری که برایشان ممکن و عملی است. این موضوع مهمی است مبارزات امروز مردم کردستان عراق

که قلب آن در شهر سلیمانیه و میدان آزادی این شهر میزند سنت تازه ای است. چنین مبارزات و سنتی در تاریخ احزاب کرد و جنبش ناسیونالیستی و اسلامی سابقه و تاریخی ندارد. سنت مبارزاتی این احزاب همیشه مسلح شدن و اتکا به گروههایی بوده است که تاریخا اسم آنها "پیشمرگ" گذاشته اند. اما اینکه توده اهالی به میدان بیایند و برای حدود دو ماه هر روز با قدرت و روحیه بالاتری در میدان حضور داشته باشند سنت امروز است. سابقه ای در تاریخ مبارزاتی جنبش اسلامی و ناسیونالیستی در کردستان ندارد. اولین پیام این جنبش پایان يك دوره و آغاز دوره جدیدی است. اتکا به مبارزات خیابانی و مدنی، اتکا به توده اهالی و اتکا به قدرت اقناع و استدلال و بلاخره اتکا به همه شهروندان و قدرت توده مردم معترض در مقابل اتکا به تعدادی افراد جان برفک و مسلح. این پیام اصلی و بنیادین این حرکت است.

اتفاقی که در کردستان عراق آغاز شده است البته يك پیام مهم دیگر هم دارد: پایان سنت و توهم ناسیونالیستی مسلح و پایان دوره زندگی انگلی احزاب ناسیونالیست که همیشه شغلشان زندگی کردن در شکاف میان دولت های منطقه بوده است. پایان سنت پیشمرگایتی و اتکا کردن به شهر به جای کوه، اتکا کردن به توده مردم شهری به جای اسلحه و گروه های جان فدا و اتکا به انتخاب و رای و برسمیت شناسی حقوق شهروند در مقابل قدر قدرتی افراد مسلح "پیشمرگ" مانند آنچه در اوایل دهه ۹۰ میلادی در کردستان عراق اتفاق افتاد.

مردم کردستان ایران میتوانند و باید از این دستاوردها بیاموزند و میتوانند همراهی و همبستگی خود را نسبت به مبارزات مردم کردستان عراق که تا همین حالا دستاورد مهمی در جامعه داشته است نشان بدهند.

ایسکرا: با تشکر از شما اصغر کریمی و محمد آسنگران برای شرکت در این میزگرد.



در پاسخ به فتوای آقای جلال طالبانی علیه شوراها کارگری در کردستان عراق

منصور حکمت

این مطلب بتاريخ تیرماه ۱۳۷۱ برابر با ژوئیه ۱۹۹۲ توسط منصور حکمت و در پاسخ به تهدیدات جلال طالبانی علیه شوراها کارگری در کردستان عراق نوشته شده است. بنا به اهمیت این موضوع و در ارتباط با وقایع و حرکت‌های اعتراضی مردم در شهرهای کردستان عراق آنرا در این شماره نشریه ایسکرا چاپ کردیم. ایسکرا

قبل از اینکه خود متن اظهارات آقای طالبانی را ببینم دورادور شنیده بودم که ایشان در یک برنامه رادیویی با اسم به من حمله کرده است. اما وقتی متن را خواندم دیدم ایشان ناخواسته فی الواقع از من تمجید کرده است. آقای طالبانی در یک جمله دو رویداد مهم و باارزش در تاریخ معاصر کردستان را یکجا پیاپی من نوشته است. یکی عروج جنبش شورائی کارگران و زحمتکشان کردستان عراق در جریان بحران و جنگ خلیج و دیگری پیوستن کومه له زحمتکشان کردستان ایران (کنا) به یک حرکت کمونیستی سراسری و دور شدن آن از "جوبیارهای اصلی" ملی گرائی کرد

- چیزی که ایشان آن را همانطور که انتظار می‌رود "خراب کردن کومه له زحمتکشان... اطلاق میکنند. هر دوی این تحولات فضای سیاسی کردستان را برای ملی گرائی سنتی کرد و رهبران و سیاستمداران این جریان تنگ کردند. هر دوی این تحولات زبان کارگر را بر سر بورژوازی و ملی گرائی کرد دراز کردند. طبیعی است که آقای طالبانی از چنین روندهائی ناخوشنود باشد و از آنهم طبیعی تر است که بخواهد سیر اجتناب ناپذیر به میدان آمدن مستقل کارگر در کردستان و انزوای ناسیونالیسم را تخطئه کند و به سیاق همیشگی سیاستمداران بورژوازی در ممالک عقب مانده و مذهب زده، آن را کار شیطانی و توطئه افراد مشکوک قلمداد کند. اما اگر "جوبیار اصلی" ای در صحنه سیاسی کردستان امروز هست، اگر نیروی ماندگار هست که قرار است کردستانی آزاد و مرفه بسازد، همان جنبش شورائی و سوسیالیستی کارگران است. این "بهار" ملی گرائی است که دیگر بسر رسیده است. آقای طالبانی میخواهد همین واقعیت را کتمان کرده باشد. بهرحال بهر درجه سخنان آقای

طالبانی در تداعی کردن من با شوراها و کمونیستی شدن کومه له صحت داشته باشد، بهمان درجه بعنوان یک کمونیست باید خود را مفتخرتر و سربلندتر احساس کنم. در پاسخ به القابی که به من داده اند هم فقط می‌گویم که چه من مشکوک باشم و چه نباشم، خود آقای طالبانی و رهبران ملی کرد ابدا افراد مشکوکی نیستند. موقعیت و منافع سیاسی آنها، موفتین و طرف های داد و ستد سیاسی شان، اهدافشان، برنامه شان، روش حکومت شان، برخوردشان به طبقه کارگر، جنگ و آشتی روز و شب شان، و نسخه غم انگیزی که برای جامعه فریاد کردستان می‌پیچند، همه و همه معلوم و معرّفه است و با عکس و تفصیلات در روزنامه ها و رسانه های معتبر جهان منتشر شده و کارگر کرد و هر انسان آزادیخواه که به رهائی مردم زحمتکش کردستان میانیشد مجاز به داشتن کوچک ترین توهم و تردیدی در این مورد نیست. اینها بهرحال نکاتی فرعی است. اصل موضوع در سخنان آقای طالبانی خط و نشان کشیدن و تهدید کارگران و جنبش شورائی است. همان زبانی که مدعی است از "طیانچه کشیدن" بروی شوراها خبر

ندارد، با فصاحت تمام شوراها را مشکوک و آلت دست عراق میخواند و با این کار فتوای سرکوب خشن هر حرکت جنبش شورائی در آینده را صادر میفرماید. این فرمول قدیمی و نخ نمای ناسیونالیسم علیه کارگران است. این جملات را فردا، اگر کارگران شکست بخورند و اینها به مشروطه شان برسند، در ادعائنامه دادگاههای "انقلاب کردستان" علیه شریف ترین مبارزین سوسیالیست طبقه کارگر خواهند نوشت.

طبقه کارگر در کردستان باید این قبیل اظهارات را جدی بگیرد. این اظهارات خود تاکیدی بر ضرورت جدائی سیاسی قطعی و کامل طبقه کارگر در کردستان عراق از ناسیونالیسم و جماعت های ناسیونالیستی و پا به صحنه گذاشتن آن بعنوان یک نیروی مستقل و قدرتمند طبقاتی است. صحنه سیاسی عراق و بویژه کردستان متحول و ناپایدار است. اگر اوضاع به نفع دولت مرکزی عراق و یا جریان ملی در کردستان تعیین تکلیف شود، اولین قربانی کارگر و سوسیالیسم در کردستان خواهد بود. عدم تعادلی که امروز وجود دارد یک فرصت تاریخی برای کارگر و کمونیست است که خود را محکم کند، حزب بسازد و جنبش شورائی و توده ای خود را روی بنیادهائی ادامه کار استوار کند. آقای طالبانی دیگر باید به چه زبانی بگوید که در این کار نباید تعجیل کرد.

و بالاخره گوشه ای از صحبت آقای طالبانی هم معطوف به کومه له امروز و رهبران فعلی آن است.

عکس العمل این تشکیلات و این افراد در مقابل اینگونه حملات آقای طالبانی به شوراها، و به چرخش به چپ کومه له در گذشته (که در ظاهر ناسزاگوئی به من بیان میشود)، بهترین محک درجه آمادگی امروز آنها برای بازگشتن زیر سایه پر محبت و پدران حزبات سنتی ملی کرد خواهد بود. آقای طالبانی دارد از قول کومه له امروز نسبت به تجربه ده سال گذشته این سازمان ابراز ندامت میکند. عکس العمل کومه له روشن خواهد کرد که در این عواطف شریک است یا خیر. کارگر و کمونیست در کردستان بیشک دیر یا زود این سوال را جلوی کومه له و رهبران آن میگذارد که پاسخشان به اینگونه حملات و سمپاشی ها علیه شوراها و مدافعان و فعالین جنبش کارگری در عراق چیست.

منصور حکمت

کارگر امروز شماره ۲۷ تیر ۱۳۷۱ ژوئیه ۱۹۹۲ مجموعه آثار جلد هشتم صفحات ۶۵ تا ۶۷ انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران، چاپ اول نوامبر ۱۹۹۷ سوند ISBN 91-630-5761-1

مردم ارومیه شیشه های اداره گاز را شکستند

صبح روز سه شنبه ۱۶ فروردین جمعی از مردم ارومیه در اعتراض به افزایش قیمت گاز، در مقابل دفتر شرکت گاز این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند و بدنبال درگیری با ماموران حراست و نگهبانان این شرکت، شیشه های ساختمان گاز را شکستند. طبق گزارشی که در این زمینه منتشر شده است، مسئولین اداره گاز قول داده اند که در قیمت گاز

تجدید نظر خواهند کرد. روز سه شنبه همچنین تجمع دیگری در شهر ارومیه در مقابل دفتر ذاکری نماینده مجلس شورای اسلامی برگزار شده و مردم معترض به افزایش قیمت گاز اعتراض کرده و نگرانی خود را نسبت به افزایش قیمت برق و آب که قبض های آنها هنوز به مردم نرسیده است، اعلام کرده اند. همانطور که در اطلاعیه های قبلی اعلام کردیم، مبارزه علیه

افزایش قیمت گاز و آب و برق بسرعت گسترش می یابد و جمهوری اسلامی بدلیل گسترده بودن این اعتراضات توان عکس العملی در مقابل مردم نداشته است. این مبارزه را باید تا شکست کامل سیاست حذف یارانه ها ادامه داد و به يك شكست سیاسی برای حکومت تبدیل کرد. حزب کمونیست کارگری بر چند

اقدام مهم زیر تاکید میکند:

- ۱- در همه محلات بطور جمعی تصمیم بگیرد که قبض ها را نپردازد. دست به تجمعات اعتراضی بزند و قبض ها را تحویل ادارات مربوطه بدهد.
- ۲- در صورت پیدا شدن سر و کله ماموران، بلافاصله همسایه ها را خبر کنید. مطمئن باشید که با تجمع اولیه مردم، کسی جرأت نمیکند گاز و برق و آب شما را قطع کند.
- ۳- پخش تراکت و شعارنویسی

را در همه محلات گسترش دهید و اعلام کنید که این خدمات باید رایگان شود و همه مردم را به پرداختن قبض ها تشویق کنید.

۴- خبرها را به ما برسانید تا از این طریق بقیه مردم مطلع شوند. این عامل مهمی در اشاعه این مبارزه است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ فروردین ۱۳۹۰
۶ آوریل ۲۰۱۱

کمونیسم کارگری یک جنبش وسیع است. صرفا ساختمانی در سلیمانیه نیست. نوبت ما و مردم است. دوران حکومت طوایف و دارودسته های مسلح وابسته به دولتهای متفرقه در کردستان به سر رسیده است. منصور حکمت

اطلاعیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران طرح های ارتجاعی برای آینده کردستان عراق محکوم است

کردستان عراق تحولات تعیین کننده ای را از سر میگذراند. حمله نیروهای ایران به اردوگاه حزب دمکرات کردستان ایران در عمق خاک عراق، که با تباری و همکاری رسمی اتحادیه میهنی (جریان جلال طالبانی) صورت گرفت، صرفاً پیش درآمد رویدادهایی به مراتب تعیین کننده تر بود. تصرف شهر اربیل توسط ارتش عراق و نیروهای مسعود بارزانی (حزب دمکرات کردستان عراق) و سپس ورود نیروهای بارزانی به سلیمانیه و هزیمت اتحادیه میهنی معادلات سیاسی در کردستان عراق را بکلی دگرگون کرده است.

از نقطه نظر مردم کردستان عراق، که سهمشان چه تحت رژیم قومیست و جنایتکار عراق و چه در "نظم نوین جهانی" و "منطقه امن" سازمان ملل و آمریکا و تحت حاکمیت احزاب ملی - عشیرتی و ارتجاعی کرد، جز رنج و محرومیت و آوارگی و بی

حقوقی نبوده است، این یک چرخش ارتجاعی دیگر در اوضاع است که بار دیگر دورنمای تاریکی را در برابر میلیونها مردم قرار داده است. اعاده حاکمیت وحشیانه عراق، چه مستقیماً و چه با واسطه تیولداری حزب دمکرات، خطر بالفعلی است که مردم را تهدید میکند. عراق و هم پیمانان امروزش امیدوارند که پنج سال محرومیت و بی حقوقی و درگیری مردم زیر دست احزاب ارتجاعی کرد و تبدیل شدنشان به آوارگان تحت الحمایه سازمان ملل و پناهندگانی بی هویت در سرزمین خویش، آنها را برای در آغوش گرفتن "ثبات" و "رفع تحریم" اهدایی عراق و بارزانی آماده کرده باشد. شک نیست که بهای این "ثبات"، اگر اساساً صورت گیرد، سرکوب و اختناق شدید و سیستماتیک و سلب آشکار حقوق مدنی و اجتماعیمردم خواهد بود.

رویدادهای اخیر کردستان، حکم

آشکار محکومیت همه دولت‌ها و احزاب بورژوازی و ارتجاعی درگیر در منطقه است. سهم آمریکا و دول غربی و سازمان ملل ها و رسانه هایشان در مشقات امروز و ۵ سال اخیر مردم کردستان غیر قابل انکار است. میلیتاریسم و قدرت طلبی آمریکا در منطقه، و جنایاتی که علیه مردم کل عراق مرتکب شده و باز تدارک نمی بینند، باید قویاً از جانب هرکس که سرسوزنی برای آزادی و انسانیت دل میسوزاند محکوم شود. اعاده حاکمیت رژیم عراق، بعنوان یک رژیم مرتجع، سرکوبگر، قومپرست و ضد مردمی، بدون هیچ شبهه ای محکوم است. آزادی مردم کردستان، و تحقق حقوق انسانی و مدنی آنها در چهارچوب عراق، مادام که چنین نظام و رژیمی در این کشور بر سر کار است، غیر ممکن است. اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان بارها نشان داده اند که نه فقط هیچ جایی در تلاش تاریخی مردم کردستان عراق

برای رهایی از ستم ملی و تبعیضات اجتماعی ندارند، بلکه خود جزو اولین موانعی هستند که باید از سر راه مردم و مبارزه آزادیخواهانه آنها کنار زده شوند. رهایی مردم کردستان بدون خلاصی از سلطه این احزاب ارتجاعی و پایان دادن به میداننداری آنها در صحنه کردستان ممکن نیست. و بالاخره، تشبیهات دیگر دول ارتجاعی منطقه، بویژه ایران و ترکیه علیه مردم کردستان قویاً محکوم است و باید فوراً پایان داده شود.

طرح های همه این مرتجعین علیه زندگی و هستی و حرمت و آزادی مردم کردستان عراق را نمیتوان نقش بر آب کرد. شرط اصلی رهایی و آزادی مردم کردستان خلاصی از چنبره این دول و احزاب ارتجاعی و گرد آمدن آنها حول پرچم سوسیالیسم و طبقه کارگر و صف کمونیسم کارگری در منطقه است.

حزب کمونیست کارگری ایران تمام احزاب و نیروهای ارتجاعی درگیر در صحنه امروز کردستان عراق و افقهای ضد مردمی آنها را قویاً

محکوم میکند و بار دیگر بر همبستگی خود با طبقه کارگر، کمونیسم کارگری و مبارزه مردم زحمتکش در کردستان عراق برای آزادی و برابری تاکید میکند. حزب کمونیست کارگری ایران هر نوع توافق از بالا میان رژیم عراق و احزاب ملی - عشیرتی کرد برای تعیین تکلیف سیاسی و حقوقی کردستان را مردود میداند و خواهان مراجعه به آراء آزاد و مستقیم خود مردم کردستان عراق در مورد آینده سیاسی کردستان است.

دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ سپتامبر ۹۶

اولین بار در شهریور ۱۳۷۵،
سپتامبر ۱۹۹۶، در شماره ۲۲
انترناسیونال منتشر شد.

مجموعه آثار منصور حکمت
جلد هشتم صفحات ۳۳۹ تا ۳۴۰
انتشارات حزب کمونیست کارگری
ایران، چاپ اول نوامبر ۱۹۹۷
ISBN 91-630-5761-1

فاز جدیدی که جمهوری اسلامی...

از صفحه ۱

سپاه پاسداران، نیز گفته است، "نیروی زمینی سپاه پاسداران مسئول اصلی برقراری امنیت در مناطق شمال غرب و جنوب شرقی ایران است." فرمانده نیروی زمینی ارتش در ادامه در خصوص ضرورت طرح «تحول ساختار» ارتش می گوید: "ما در حال حاضر وارد یک فاز جدیدی از تهدیدات شده ایم، تهدیداتی که به لحاظ نوع، شکل و اندازه با گذشته خیلی فرق دارد و باید متناسب با آنها تغییرات جدیدی در ساختار نظامی خود به وجود بیاوریم."

البته فرماندهان سپاه و ارتش در ادامه اظهارات خود اوضاع منطقه از جمله حضور نیروهای نظامی عربستان در بحرین و حوزه خلیج را نیز چاشنی سخنان خود کرده اند که وانمود سازند ضرورت طرح تحول ساختار ارتش بخاطر خطر نظامی از سوی کشورهای دیگر منطقه از جمله عربستان

شیپور انقلاب برای بزیر کشیدن سران و نظام اسلامی را پیشتر از این بصدا درآورده اند. این بیانات تنها برای سرپوش گذاشتن بر اصل اجرای این طرح که هدف اصلی آن آماده باش و آرایش جدید در مقابل انقلاب مردم است می باشد.

همانطور که اشاره شد طرح بنام ساختار ارتش و سپاه، ایجاد پادگانهای جدید در تمام مناطق مرزی و فیگوری که حکومت اسلامی بنام خطرات خارجی به نیروی نظامی اش می خواهد بگیرد، چیزی نیست بجز مقابله با انقلاب مردم ایران. انقلابات در مصر، تونس، لیبی و دیگر کشورهای عربی، جمهوری اسلامی را برآن داشته است که فکری بحال خود نکنند. در کشورهای فوق دیکتاتورهای مادام العمر با نیروی ارتش، تانک و هواپیما با یک کشور خارجی در حال نبرد نبودند. این برلب گور نشستگان سالها سرمایه و هستی مردم را صرف تسلیحات نظامی برای جلوگیری از انقلاب مردم و ممانعت از سرنگونیشان کرده اند.

فرمانده سپاه و ارتش جمهوری اسلامی می گوید: "ما در حال حاضر وارد یک فاز جدیدی از تهدیدات شده ایم، تهدیداتی که به لحاظ نوع، شکل و اندازه با گذشته خیلی فرق دارد و باید متناسب با آنها تغییرات جدیدی در ساختار نظامی خود به وجود بیاوریم."

فاز جدید تهدیداتی که فرمانده حکومت اسلامی از آن یاد می کند چندان هم فاز جدیدی نیست. این فاز از سال ۸۸ آغاز شده است. این فاز انقلاب مردم برای برچیدن این بساط و دم و دستگاه جنایتکارانه حکومت اسلامی است. تهدیدات این فاز همانگونه که سرکرده آدمکشان اسلامی می گوید، تهدیداتی است که به لحاظ نوع، شکل، و اندازه با گذشته فرق دارد. ایشان درست می گوید. تهدیدات انقلاب مردم از این رو با گذشته فرق دارد که در دو سال گذشته انقلاب در ایران با انقلابات امروز که بسیاری از کشورهای منطقه را دربر گرفته است فرق دارد و تنها محدود به یک کشور نیست. از این رو در نظر دارند متناسب با آن تغییرات جدیدی در

ساختار نیروی سرکوب ایجاد کنند. جمهوری اسلامی و فرماندهانش باید این را بدانند که با هر ساختاری از آرایش نیروی سرکوبگرشان، با بگیر و ببند، با کشتار و اعدام و با پادگانی کردن و وجب به وجب شهرها قادر نخواهند بود انقلاب مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی و تلاش میلیونها انسان برای دفاع از حق زندگی کردن را به شکست بکشاند. سرکرده های حکومت کاملاً به هراس و وحشت افتاده اند و تنها به پر کردن زندانها از انسانهای مبارز، به اعدام، سرکوب، بگیر و ببند و اعمال فقر بر بیش از ۷۰ میلیون انسان بسنده نکرده اند بلکه در کنار اینها و برای تداوم عمر در حال پایانشان، کشوری را کاملاً نظامی کرده اند و قصد دارند نظامی تر کنند. امواج انقلاب در ایران این بساط ضد انسانی را برمی چیند. این فاز انقلاب است که نظام اسلامی را تهدید می کند.

۱۳ آوریل ۲۰۱۱

در یک کنفرانس مطبوعاتی، توافقات پشت پرده دولت آلمان با جمهوری اسلامی افشا شد یکی از توافقات در مورد مینا احدی بوده است

در یک کنفرانس مطبوعاتی در برلین روز جمعه اعلام شد که یکی از توافقات برای آزادی دو خبرنگار آلمانی، ایجاد محدودیت و جنایی کردن فعالیتهای مینا احدی بوده است.

روز جمعه ۸ آوریل ساعت ۱۱ صبح در محل "بوندس پرسه هاوس" در برلین، محل برگزاری کنفرانسهای مطبوعاتی دولت آلمان، یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار شد که در آن برای اولین بار در مورد جزئیات توافقات دولت آلمان و جمهوری اسلامی "به منظور آزادی دو خبرنگار آلمانی" صحبت شد و پرده از روی این توافقات برداشته شد.

بانک ملی آلمان در این کنفرانس مطبوعاتی آقای موسوی اعلام کرد که امنیت جانی مینا احدی به عنوان شخصیتی شناخته شده در سطح جهان و به عنوان یکی از مخالفین سرسخت جمهوری اسلامی که برای سرنگونی این رژیم تلاش میکنند به عهده دولت آلمان و در رأس آن خانم مرکل صدر اعظم دولت آلمان است که از جزئیات این توافقات مطلع بوده است. در این کنفرانس مطبوعاتی مینا احدی ضمن محکوم کردن این نوع توافقات پشت پرده در مورد جزئیات دستگیری دو خبرنگار و تفاوت سیاست او برای آزاد کردن خبرنگاران و مخالفت با سیاست مماشات دولت آلمان صحبت کرد. مینا احدی که یکی از سخنرانان این کنفرانس بود اعلام کرد:

من امروز اینجا نیامده ام که مجددا در مورد جنایات وحشیانه حکومت اسلامی افشا گری کنم، همه میدانند که این حکومت چه جنایاتی مرتکب شده و امروز هم چگونه به این جنایات ادامه میدهد. آمده ام بگویم که دولت آلمان و سیاستهایش بخشی از صورت مسئله است. سیاستهای تا کنونی دولت آلمان و همین توافقات افشا شده اخیر موضوع کار جنبش سرنگونی حکومت اسلامی است. ما باید از طریق افکار عمومی و

فشار سازمانهای مدافع حقوق انسانی، دولت آلمان را تحت فشار بگذاریم و بخواهیم تمام توافقات پشت پرده را علنی کند و فوراً حکومت اسلامی را بایکوت سیاسی کند. از همه دولتتها بخواهیم که سفارتخانه های جمهوری اسلامی را ببندند و روابط دیپلماتیک شان را با این جانیان حاکم بر ایران قطع کنند. کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار ضمن محکوم کردن توافقات و سازش های کثیف و پشت پرده دولت آلمان و جمهوری اسلامی از همه آزادیخواهان و سازمانهای مدافع حقوق انسانی میخواهند که برای سرنگونی جمهوری اسلامی و بستن سفارتخانه های این رژیم جانی بر فعالیتهای خود بیافزایند و اجازه ندهند که این معاملات سیاسی به مانعی بر سر راه جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل شود.

ما ضمن تشدید فعالیتهای خود علیه جمهوری اسلامی تلاش میکنیم از طریق فشار افکار عمومی دولت آلمان را وادار کنیم که تمام توافقات پشت پرده با جمهوری اسلامی را به اطلاع عموم برساند.

کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار
۹ آوریل ۲۰۱۱
۲۰ فروردین ۱۳۹۰

در اعتراض به ماشین جنایت ...

از صفحه ۱

خطر اعدام دسته جمعی بیش از صد نفر در زندان اصفهان است. حکومت اسلامی ایران از وحشت اعتراض کارگران و مردم در روز جهانی کارگر در اول ماه مه، از حالا اعلام کرده است که شیرکو معارفی فعال سیاسی را در این روز خواهد کشت. برای اعتراض به این جنایان وحشی و انسان کش، برای مقابله با اعدامهای بیشتر و برای اینکه دیگر جرات نکنند عزیزان ما را در زندان زجر کش کنند، همه باهم روز ۲۲ آوریل به خیابان میرویم و در مراکز شهرها و یا در مقابل سفارت خانه های جمهوری اسلامی ایران، تظاهرات میکنیم و از مردم در دنیا میخواهیم که به

محیط نا امن کار باز هم حادثه آفرید

روز سه شنبه ۲۳ فروردین یک کارگر ساختمانی بنام فاروق مصطفایی ۳۱ ساله ساکن روستای "دالان" هنگام کندن پایه دیوار در ساختمانی در شهرستان دیواندره، با فرو ریختن دیوار بر سرش متاسفانه در دم جان خود را از دست داد. فاروق مصطفایی دارای همسر بوده و هیچگونه بیمه تأمین اجتماعی و یا حوادث ندارد.

کارگری بخاطر سودجویی دولت و کارفرما در نا امن قرار دادن محیط کار، قربانی منفعت پرستی سرمایه و سرمایه داران نشود. به این شرایط برده وار باید اعتراض کرد. تنها با سرنگونی رژیم اسلامی سرمایه داران و برقراری جامعه ای انسانی است که امنیت به محیط کار و زندگی کارگران باز میگردد.

منبع خبر کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۱۳ آوریل ۲۰۱۱
۲۴ فروردین ۹۰

نا امنی محیط کار دائماً کارگران را در معرض خطرات جانی، نقص عضو و دیگر خطرات محیط کار قرار داده است. روزی نیست که



همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!